

شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست‌گذاری

اجتماعی^۱

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۲، شماره ۵: ۱۴۹-۱۲۵

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

معصومه قاراخانی^۲

استادیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۸

دریافت: ۹۴/۱۰/۱۶

چکیده

شناسایی روند دگرگون‌شونده خانواده در ایران نه تنها به شناسایی وضعیت در حال تغییر خانواده کمک می‌کند، بلکه مسائل، نیازها و مشکلات کنونی و آینده را مشخص ساخته و چشم‌انداز روشنی از این وضعیت در اختیار سیاست‌گذاران اجتماعی قرار می‌دهد. در این مطالعه با کاربرد تکنیک تحلیل اسنادی، رویکردهای نظری درباره خانواده و نیز پژوهش‌های موجود مطالعه شده، ابعاد اصلی دگرگونی خانواده در ایران شناسایی و شاخص‌هایی برای سنجش آن پیشنهاد شده است. به لحاظ نظری و بر پایه مطالعات تجربی، دگرگونی خانواده عمدتاً در دو سطح قابل‌طرح است؛ اول، وضعیت خانواده و تغییرات درونی آن از بعد ساختار و کارکرد، و دوم، وضعیت خانواده به‌عنوان نهادی در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی. به این ترتیب، شاخص‌ها در ابعاد ساختار و کارکرد و نیز روابط سیستمی خانواده مطرح شده‌اند. تحول ساختار خانواده عمدتاً در گرو تغییرات در ساختار جمعیت، ازدواج و طلاق، تحرک طبقاتی، ساخت قدرت و دگرگونی جنسیتی در خانواده ملاحظه شده است. تحول کارکرد خانواده نیز با تغییر در مولفه‌های اقتصادی، تقسیم‌کار، کیفیت عاطفی و روابط خانوادگی، سلامت، خانواده‌گرایی، کارکردهای هنجاری و تحولات ارزشی در ارتباط است. تغییرات در روابط سیستمی خانواده نیز ناظر بر وضعیت خانواده در ارتباطات میان‌نهادی با نهادهای رسمی و غیررسمی است. از جمله نهادهای موردتوجه در این مقاله، نهاد آموزش، رسانه، دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و دولتی هستند.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری اجتماعی، سیاست‌گذاری خانواده، دگرگونی خانواده، ساختار خانواده، کارکرد خانواده، روابط سیستمی خانواده.

۱ بخشی از یافته‌های این پژوهش برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «شناسایی و تدوین شاخص‌های سنجش دگرگونی خانواده در ایران» است که با حمایت شورای ارزیابی پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی انجام شده است. از پیشنهادهای روشنگرانه آقای دکتر سیدآیت‌الله میرزایی در تدوین این مقاله سپاسگزارم.

۲ پست الکترونیکی نویسنده رابط: qarakhanim@gmail.com

طرح مساله

هر نوع سیاست‌گذاری اجتماعی مستلزم شناسایی دقیق موضوع سیاست‌گذاری است. خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی همواره موضوع و هدف سیاست‌گذاری اجتماعی بوده است. انتظار می‌رود این سیاست‌ها نیز با هدف حفظ انسجام خانواده و تامین رفاه و ارتقای کیفیت زندگی اعضای خانواده تدوین و اجرا شوند. از این رو، ضروری است متناسب با وضعیت دگرگون‌شونده خانواده این سیاست‌ها بازبینی و تعدیل شده و اثرات و پیامدهای آن‌ها مورد بررسی مداوم قرار گیرد. گام نخست برای ارائه تصویری دقیق‌تر از وضعیت خانواده و در جهت سیاست‌گذاری مرتبط و دقیق و کاستن از هزینه‌های سیاست‌گذاری، شناسایی وضعیت خانواده و دگرگونی ابعاد آن بر مبنای شاخص‌های زمینه‌مند است. تا هم مسائل، نیازها و مشکلات کنونی خانواده در ایران مشخص شود و هم وضعیت آینده، پیش‌بینی شده و سرانجام سیاست اجتماعی متناسب با آن تدوین و اجرا شود. این شاخص‌ها درک کارشناسانه‌ای برای فهم فرصت‌ها و تهدیدهای گوناگون پیش روی خانواده فراهم می‌کنند و می‌توانند به‌عنوان پیش‌زمینه برخی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مورد بهره‌برداری قرار گیرند. با این پیش‌شرط که «همه الگوهای خانواده در اندازه‌ای مشخص قرار نگرفته و خانواده‌های مختلف با توجه به شرایط خود، اولویت‌ها و آرمان‌های متفاوتی دارند» (جکسون‌اب، ۲۰۱۰: ۲). در توجه به این تفاوت‌ها است که سیاست‌گذاری اجتماعی نیز می‌تواند نتایج مطلوب را به همراه داشته باشد. این مستلزم شناخت دقیق از وضعیت خانواده است. به گفته برناردز (۱۳۸۴) جامعه فقط بر اساس اطلاعات دقیق می‌تواند درباره نگهداری از کودکان، زمینه‌های جرم، مراقبت از بیماران یا هر چیز دیگر، سیاست‌های اجتماعی درستی اتخاذ کند. با داشتن اطلاعات بهتر درباره آنچه خانواده‌ها به‌صورت بالفعل انجام می‌دهند و آنچه نمی‌توانند انجام دهند، بهتر می‌توانیم از خانواده‌ها حمایت کنیم (برناردز، ۱۳۸۴: ۵۵). شناخت وضعیت خانواده از جهت ساختار، کارکرد، ارتباطات بین نهادی و نیازهای دگرگون‌شونده خانواده، نیازمند مطالعات مقطعی و طولی با استفاده از شاخص‌های معیار است. هاریزونس (۲۰۱۵) در گزارشی با عنوان «شاخص خانواده‌های مدرن» نشان داده است با شناسایی وضعیت خانواده‌های شاغل می‌توان نوع حمایتی را تعیین نمود که خانواده‌های شاغل به‌منظور ایجاد توازن بین مسئولیت‌های خود در خانه و شغل به آن نیازمند هستند. این گزارش واقعیتی است درباره خانواده‌های شاغل امروزی برای

این‌که نشان دهد، خانواده برای ترکیب زندگی کاری و خانوادگی به چه توانمندی‌هایی نیازمند است و همچنین برای تسهیل انطباق با اختلالات و مقابله با نگرش‌ها و موانعی که در راه به‌دست‌آوردن زندگی کاری خوب جهت مدیریت خانواده وجود دارد، نیازمند چه ترتیباتی است. عواملی مانند شرایط فرهنگی، ماهیت شغل، کار تمام وقت والدین، استفاده از مراکز نگهداری کودک و غیره. شاخص تغییر و کارکرد خانواده (SCORE15) که نوعی خوداظهاری از همه اعضای بالای پانزده سال خانواده است، با پانزده گویه در طیف لیکرت و شش شاخص مجزا به همراه اطلاعات دموگرافیک، به اعضای خانواده امکان می‌دهد تا کنش متقابل خود را که دارای اهمیت بالینی و درمانی است گزارش نمایند؛ تا مشاوره‌هایی توسط درمان‌گران، کاربران و متخصصان از جنبه‌های گسترده فرهنگی، قومی، اقتصادی و اجتماعی و پیشینه خانواده صورت گیرد (بنگرید به ¹AFT، ۲۰۱۵). پژوهش فی و دیگران (۲۰۱۲) بر روی خانواده‌های ایرلندی دارای کودکان نه ساله با هدف بررسی رفاه خانواده و روابط خانوادگی بر پنج مقوله اصلی ساختار خانواده (شامل ساختار موجود، ساختار در طول زمان و اندازه خانواده)، کیفیت روابط بین والدین، کیفیت روابط بین والدین و فرزندان و رفاه فرزندان متمرکز شده است. همان‌طور که نشان داده می‌شود، شناخت وضعیت خانواده با هدف سیاست‌گذاری‌های کارآمد از ضرورت‌های تامین رفاه و ارتقای کیفیت زندگی در خانواده است.

در ایران پژوهش‌های اندکی درباره شاخص‌های معیار جهت سنجش وضعیت و دگرگونی خانواده انجام شده است. یکی از پژوهش‌ها در این زمینه، پژوهش پاپی‌نژاد و محبی (۱۳۸۹) است که به‌زعم نویسندگان آن، اولین پژوهش انجام‌شده در این زمینه است. در این پژوهش شاخص‌های موجود ملی و فراملی سنجش وضعیت زنان گردآوری شده است. اگرچه پژوهشگران در عنوان پژوهش «شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده» را مطرح کرده‌اند، اما هم در مبنای نظری و هم در ارایه شاخص‌های توصیفی، بیشتر وضعیت زنان موردتوجه قرار گرفته است. به این معنی که خانواده به یکی از اجزاء خود یعنی «زنان» تقلیل یافته است. شاخص‌های مطرح برای سنجش وضعیت زنان در این پژوهش در ابعاد جمعیتی، شاخص‌های بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، پژوهشی و اقتصادی است. علاوه‌براین، در برخی از ابعاد برای هر دو جنس شاخص‌هایی در نظر گرفته شده و شاخص‌های بین‌المللی جنسیتی نیز مطرح

1 Association for Family Therapy & Systematic practice (AFT)

شده است. ثنائی و همکاران (۱۳۸۷) نیز ابزاری برای سنجش بالینی روابط خانوادگی و زناشویی در حوزه روان‌شناسی و مشاوره ارائه کرده‌اند که فقط بعدی از زندگی خانوادگی را مورد توجه قرار می‌دهد.

برخی سازمان‌های سیاست‌گذار در حوزه خانواده نیز به منظور شناسایی وضعیت خانواده و ارائه تصویری از خانواده مطلوب (از نگاه سیاست‌گذار) ضمن تعریف آن، شاخص‌هایی با هدف تحقق خانواده مطلوب ارائه کرده‌اند. از جمله شورای فرهنگی - اجتماعی زنان زیرمجموعه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴ اهداف هفت‌گانه و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آنرا مطرح کرده است. این شاخص‌ها ذیل «نگاه جامعه نسبت به سیاست‌های نهادی تحقق اهداف مطلوب نظام جمهوری اسلامی ایران»، «اقدامات در سطح نهادی»، «اقدامات نهادی در جهت تحقق اهداف مطلوب جمهوری اسلامی ایران» آورده شده است (بنگرید به دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴). مرور منابع درباره شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده در ایران نشان می‌دهد، پژوهش مستقل و مشخص که به موضوع شاخص‌سازی برای سنجش وضعیت خانواده در ایران بپردازد، بسیار ناچیز است. امکان دسترسی به اندک مطالعات سفارشی از سوی برخی سازمان‌های دولتی نیز یا غیرممکن و یا بسیار دشوار است. این دست مطالعات نیز اغلب با هدف دستیابی به وضعیت مطلوب سیاست‌گذار و گرایش‌های ارزشی خاص جهت‌گیری و طراحی شده‌اند. در این میان مطالعاتی نیز وجود دارند که هر چند درصدد ارائه شاخص در زمینه سنجش وضعیت خانواده و دگرگونی‌های آن نیستند اما به موضوع دگرگونی خانواده در ایران پرداخته‌اند و ابعاد این دگرگونی را از برخی جهات نمایان ساخته‌اند. این مطالعات می‌تواند مبانی نظری و چهارچوب مفهومی مناسبی برای این پژوهش فراهم نماید و در تعیین شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده و دگرگونی آن در ایران راه‌گشا باشد. برخی از این مطالعات به شناسایی ابعاد گوناگون خانواده به‌طورکلی (بنگرید به مهاجرانی، ۱۳۷۵؛ تنهایی و شکرپیگی، ۱۳۸۷؛ ساروخانی، ۱۳۷۰؛ اعزازی، ۱۳۸۷؛ ارمکی، ۱۳۸۶) پرداخته‌اند و مطالعاتی هم موضوع دگرگونی خانواده در ایران را به طور خاص مورد بحث قرار داده‌اند (از جمله بنگرید به بهنام، ۱۳۴۷، ۱۳۵۲، ۱۳۸۳؛ مهدی، ۱۳۵۴؛ شیخاوندی، ۱۳۷۵، ۱۳۸۶ الف؛ سرایی، ۱۳۸۵؛ شکوری و آزادارمکی، ۱۳۸۸؛ روحانی، ۱۳۸۹؛ محمدی، ۱۳۸۹؛ آزادارمکی و دیگران، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱؛ جنادله و رهنما، ۱۳۸۹)

این پژوهش بر مبنای مطالعات پیشین درباره ابعاد دگرگونی خانواده و تلاش‌هایی که به‌منظور شاخص‌سازی شناسایی وضعیت خانواده انجام شده است، تلاش دارد: نخست، به فرایند یکسان‌سازی شاخص‌های آماری در این زمینه کمک نماید. دوم، با ارائه شاخص‌های پیشنهادی مقدمه‌ای برای کاربری آنها توسط پژوهشگران فراهم سازد. تا از این طریق بتوان اطلاعات و داده‌های مرتبط با وضعیت خانواده و دگرگونی‌های آنرا در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی متناسب با وضعیت خانواده به کار گرفت. تعیین شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده کمک خواهد نمود تا درک عینی و آگاهانه‌تری از دگرگونی‌های خانواده از یک‌سو و تغییرات در دیگر ساختارهای اجتماعی به دست آوریم. طراحی شاخص‌هایی برای سنجش وضعیت خانواده در صورت به‌کارگیری آنها در پایش وضعیت خانواده، امکان ایجاد سیاست‌هایی برای توسعه و نیز ارائه خدمات و فرصت‌های موردنیاز خانواده را فراهم نموده و مانع اتخاذ سیاست‌های غیرعلمی و غیرکارشناسانه در مورد خانواده در ایران خواهد شد. سوم، شناسایی و پیشنهاد شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده نه تنها به استانداردشدن پژوهش‌هایی کمک می‌نماید که به بررسی وضعیت و دگرگونی خانواده می‌پردازند، بلکه الگویی برای انجام پژوهش‌های ملی به‌منظور سنجش وضعیت خانواده ارائه می‌نماید. چهارم، از طریق شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده می‌توان به درک وضعیت موجود، روند تغییرات، فرصت‌ها و چالش‌ها، اتخاذ سیاست‌های منطقی و معقول، و نیز سیاست‌گذاری‌های مرتبط، موثر و سنجیده‌تر اقدام نمود. نکته موردتوجه این است که گردآوری شاخص‌های اصلی بیان‌کننده وضعیت خانواده، می‌تواند مبنایی برای تجزیه و تحلیل اشکال گوناگون خانواده نیز باشد. به‌دنبال اهداف مذکور، با طرح این پرسش که ابعاد دگرگون‌شونده خانواده کدام‌اند؟ و چه شاخص‌هایی برای سنجش این ابعاد می‌توان ارائه نمود؟ انتظار می‌رود کاربری این شاخص‌ها بتواند در روند مطالعات مقطعی و طولی تصویری واقع‌بینانه‌تری از وضعیت دگرگون‌شونده خانواده در ایران ترسیم نماید. این شناخت اولیه، خود مهم‌ترین و ضروری‌ترین گام در فهم وضعیت خانواده و پیش‌زمینه الزامی اتخاذ سیاست‌های اجتماعی مرتبط و پیش‌نیاز هرگونه سیاست‌گذاری مناسب و متناسب با ساختار، کارکرد و نیازهای دگرگون‌شونده خانواده در ایران است.

رویکردهای نظری درباره خانواده

یکی از راه‌های شناسایی تعریف خانواده، ساختار، کارکردها و روابط درون و میان‌نهادی آن، مراجعه به رویکردهای نظری موجود درباره خانواده است. در این‌جا، مرور اجمالی رویکردهای نظری مهم، راهنمایی است برای تدوین شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده که به آن خواهیم پرداخت. در چارچوب رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی از خانواده، تعاریف و تحلیل‌های گوناگونی ارائه شده است که کاملاً صریح و روشن هم نیستند. «رویکرد ساختی- کارکردی مجموعه‌ای از ایده‌ها را مطرح کرده است که بر نظام‌های اصلی جامعه و ارتباط بین آن متمرکز است. در این رویکرد، خانواده به شکل گسترده‌ای متحول شده است (ویلسون، ۱۹۹۵: ۳۰). طبق این دیدگاه، خانواده از نهادهای ضروری و اصلی زندگی اجتماعی محسوب می‌شود؛ به‌عنوان نهادی که هم روابط خانوادگی و هم تقسیم‌کار جنسیتی در چارچوب آن، برای جامعه بزرگ‌تر جنبه کارکردی دارند و مفید هستند. بنابراین، به همین شکل هم باید تداوم یابند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۳۱). ساختار خانواده با ویژگی‌های خاصی همچون محل سکونت، پیوندهای خویشاوندی، چگونگی توزیع قدرت و مسئولیت‌ها و تعاملات درونی بین اعضای آن تعریف می‌شود. اگر تمامی این ویژگی‌ها در یک خانواده یافت شود، آنگاه ساختار خانواده شکل می‌گیرد (مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۳۰۰). انگاره اصلی کارکرد، ناظر به فعالیت‌های ضروری برای حفظ انواع جامعه یا گروه اجتماعی است. این کارکردها شامل مواردی مثل تولید مثل جنسی، تولید اقتصادی، تعلیم و تربیت، دین، تفریح و مهم‌تر از همه، کارکردها یا وظایفی است که برای دستیابی جامعه به ثبات باید انجام گیرد. آگبرن و تیپیس در سال ۱۹۳۴، شش کار اساسی خانواده شامل: تولید مثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عاطفه و همراهی و تامین پایگاه اجتماعی را مورد تاکید قرار دادند (به نقل از بستان و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۷). مرداک (۱۹۴۰) که این رهیافت را توسعه بخشید بر وجود چهار کارکرد اصلی خانواده؛ کارکرد جنسی، اقتصادی، آموزشی و تولید مثلی تاکید کرد (به نقل از برناردز، ۱۳۸۴: ۷۴).

پارسونز نگرش کارکردباورانه نسبت به خانواده را بسط بیشتری داد (برناردز، ۱۳۸۴: ۷۴). او در تجزیه و تحلیل خود از کارکردهای خانواده به سه مورد اشاره می‌کند: (۱) کاهش اهمیت خانواده به‌عنوان نهادی اقتصادی و سیاسی و در نتیجه افزایش نقش آن در زمینه اجتماعی کردن فرزندان، مسائل تربیتی آن‌ها و تقویت خانواده به‌عنوان پایگاهی حمایتی و عاطفی، (۲) ازهم-

پاشیده‌شدن خانواده تا جایی که به روابط خویشاوندی مربوط گردد؛ یعنی کاهش ارتباطات خویشاوندی در این نهاد و در مقابل تقویت روابط در آن به‌عنوان نهادی هسته‌ای، ۳) رابطه زنان با جهان خصوصی خانواده و در مقابل ارتباط مردان با جهان اقتصادی و سیاسی خانواده. از دیدگاه پارسونز این‌گونه تحولات و تغییرات تحت عنوان نظریه کارکردی خانواده برای این نهاد پدیدار گردید (شیخی، ۱۳۸۰: ۴۵). گرچه تغییرات یادشده در جوامع صنعتی برای نهاد خانواده به‌وجود آمد، ولی به تدریج این تغییرات به گونه‌ای فراگیر و جهانی گردید (همان: ۴۶). خانواده مدرن از دیدگاه پارسونز مرکز ایجاد یکپارچگی به حساب نمی‌آید. وظایف و الزامات جدید به خانواده‌های مدرن و متحول واگذار شده است؛ نظیر مسئولیت‌های مربوط به اجتماعی‌کردن کودکان، حمایت‌های عاطفی از آن‌ها و نظیر آن‌ها. خانواده نوین از نظر پارسونز تا حد زیادی وابسته به جامعه بزرگ‌تر و نهادهای جدید احداث شده است؛ مانند نظام آموزش و پرورش، موسسات و سازمان‌های تولیدات صنعتی و مواد غذایی و ... (همان: ۴۷). به گفته او، خانواده امروز «چندوظیفه‌ای» نیست، بلکه در مقابل به‌لحاظ کارکردی خاص‌گرا شده است؛ یعنی وظایف خاصی را ایفا می‌نماید (همان: ۴۸).

خانواده، از رویکرد کنش‌متقابل نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. این چارچوب به فرایندهای تعاملی که از طریق آن‌ها تغییرات تداوم می‌یابند پرداخته و پیش‌بینی جریان تغییر خانواده را امکان‌پذیر می‌سازد. از نقطه نظر این چارچوب، درون خانواده افراد عمل می‌کنند و به کنش‌های دیگران واکنش نشان می‌دهند و همین‌طور معانی این کنش‌ها را به کنشگر و مشاهده‌کننده منتقل می‌نمایند. در کنش‌متقابل، ارتباطات سمبولیک با دیگران، تجربه منفعت فردی و رقابت در روابط موثر بین فردی و فرایند کنش‌متقابل اعضا، تعاریف مشترکی درباره این‌که آن‌ها چگونه با دیگران در وضعیت‌های خاص عمل نمایند، ارائه می‌نماید. همچنین بر تعریف افراد از وضعیت‌ها تاکید دارد تا وضعیت عینی. به طور مثال، فقط انگیزه بیرونی فرد (خانواده) را مورد بررسی قرار نمی‌دهد، این‌که انسان هم کنش‌گر و هم واکنش‌گر است و حتی انگیزه‌های خود را ایجاد می‌کند نیز مورد توجه است. در مقایسه با رویکرد کارکردی که بر ثبات تاکید دارد، این رویکرد با تمرکز بر کنش‌متقابل افراد در خانواده به‌عنوان واحدی بر پایه کنش‌متقابل، بر تغییر تاکید دارد (کینگ، ۱۹۶۹: ۷-۸). کنش‌متقابل یک رهیافت در سطح خرد

است که به اقدامات درونی خانواده می‌پردازد. کنش متقابل افراد در خانواده و تفسیر کنش‌گر از اجزای این واحد به‌عنوان مثال معنای ازدواج، والدین و فرزندان و ... مورد توجه است. چارچوب نظری نسبتاً متفاوت دیگر، رویکرد مارکسیستی است که از آثار مارکس الهام می‌گیرد. مهم‌ترین اثری که بر مبنای تبیین‌های مارکسیستی از زندگی خانوادگی نوشته شده، کتاب انگلس به نام منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت است که حاوی توضیحات و حواشی مفصل مارکس با استفاده از «جامعه‌باستان» لوئیس مورگان است (برناردز، ۱۳۸۴: ۸۱). به گفته ویلسون (۱۹۹۵) برای سال‌ها مارکسیست‌ها از این‌که خانواده را به‌عنوان موضوعی اجتماعی و سیاسی در نظر بگیرند، اجتناب می‌کردند. توجه به خانواده از زمانی آغاز شد که فمینیست‌ها بحث‌های خود درباره ماهیت و دلایل نابرابری جنسیتی را آغاز کردند. از همان موقع مارکسیست‌های دانشگاهی شروع به نوشتن درباره کنترل‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه سرمایه‌داری کردند و اهمیت خانواده به‌عنوان بخشی از فرایند کنترل اجتماعی را مورد توجه قرار دادند. در نگاهی کلی از نظریه‌های مارکسیستی اعزازی (۱۳۸۷) می‌نویسد:

نظریه‌های مارکسیستی خانواده و شکل‌های آن را مرتبط با جامعه می‌دانند. در دوران ابتدایی جوامع بشری که انسان در گروه‌های کوچک اجتماعی به‌دنبال میوه و دانه می‌گشت، زندگی و ازدواج‌ها گروهی بود. به تدریج و با پیشرفت نیروهای تولیدی جوامع ساکن شدند و به کشاورزی و دامپروری پرداختند و ازدواج یارگیر یعنی پیوند یک زن و یک مرد به‌وجود آمد. اما همچنان نسب زن تعیین‌کننده بود. پیشرفت بعدی نیروهای تولید و ایجاد مالکیت خصوصی منجر به ایجاد تک‌همسری برده‌دار شد. بدین ترتیب دورانی آغاز شد که هرچند به ظاهر تک‌همسری بود، اما شکست اجتماعی و خانوادگی زنان را به همراه داشت و این شکل خانواده پدرسالاری تا دوران سرمایه‌داری و خانواده بورژوازی ادامه یافت. خانواده بورژوازی نیز براساس مناسبات اولیه سرمایه‌داری به‌وجود آمده و به عبارت دیگر، دارای نطفه‌های تضاد جامعه در درون خود بود. در این طرز تفکر، خانواده تک‌همسری به‌صورت نهادی جهان‌شمول که از ابتدای پیدایش بشریت وجود داشته مطرح نیست بلکه در گذر از مراحل مختلف رشد نیروهای تولیدی، اشکال مختلفی را به خود گرفته است و در عین حال رابطه‌ای کاملاً نزدیک با جامعه و به‌عبارت دیگر، انعکاسی از جهان‌بینی حاکم جامعه طبقاتی خود دارد. بنابراین ضرورتی نیز برای تأکید بر این واحد در جامعه و آرمانی کردن آن نیست. در این نظریه، هنگامی

که تضاد مالکیت خصوصی از طریق مالکیت جمعی و اشتراکی از بین رود، خانواده قادر خواهد بود ویژگی‌های مثبت خود را برای زنان و مردان ظاهر سازد (اعزازی، ۱۳۸۷: ۸۴-۸۵).

رویکرد فمینیستی، یکی دیگر از رویکردهای تاثیرگذار در نظریه‌پردازی درباره خانواده است. به گفته برناردز (۱۳۸۴) نقطه شروع بحث عمده فمینیسم معاصر شناسایی موانع اصلی بر سر راه برابری زنان و شناخت قدرت و ستمگری مردان است که غالباً با مفاهیمی چون نابرابری جنسیتی و پدرسالاری بیان می‌شود (برناردز، ۱۳۸۴: ۸۳). طیف وسیعی از نظریه‌های فمینیستی که البته ریشه‌های مشترک دارند به شیوه‌های متفاوت، ابعاد گوناگونی از زندگی خانوادگی را مورد توجه قرار داده‌اند. اما در همه آن‌ها یک ایده وجود دارد و این‌که، خانواده نهاد سرکوب زنان است. «خانواده واحدی مردسالار توصیف می‌شود که در حکم میانجی میان فرد و ساختار اجتماعی پدرسالار عمل می‌کند. به همین دلیل فمینیست‌ها توجه خاصی به دگرگونی ساختار مناسبات خانوادگی نشان می‌دهند و معتقدند که باید در تعاریف موجود در مورد خانواده که مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی گسترده در باره نقش مسلط مردان است بازنگری و تعاریف جدیدی ارائه شود» (تنهایی و شکر بیگی، ۱۳۸۷: ۳۹).

رویکرد رایج دیگر درباره خانواده رویکرد «سیستمی» است. نظریه‌های ذیل این رویکرد از این جهت می‌توانند مفید باشند که خانواده را به‌مثابه مجموعه‌ای از روابط مجزا از هم مشاهده می‌کنند که با روش‌های مهمی به یکدیگر متصل شده‌اند، همچنان که اندام یک بدن یا اجزای یک رایانه به یکدیگر متصل‌اند (اندرسون و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۷). در این نظریه هدف درک این نکته است که خانواده‌ها چگونه کار می‌کنند یا از کارکردن باز می‌مانند و علت توفیق یا شکست خانواده اهمیت ندارد. همیشه اطلاعات بیش از حد زیاد یا بیش از اندازه کم یا شاید ناتوانی یک جزء در جمع‌آوری اطلاعات می‌تواند به‌عنوان علت شکست سیستم خانوادگی محسوب شود. از دست دادن یکی از اجزای مهم سیستم می‌تواند بسیار ویران‌گر باشد (همان). «برنر (۱۹۸۶) بیان می‌کند، رشد افراد تحت تاثیر پنج نوع از سیستم‌های محیطی قرار می‌گیرد: میکروسیستم‌ها (زمینه‌هایی نزدیک که مستقیماً افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مانند خانواده)، مزوسیستم‌ها (تحولات بین زمینه‌های رشد، مانند خانواده و مدرسه)، اگزوسیستم‌ها (محیط‌های خارجی که افراد را به طور غیرمستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهند. مانند وضعیت کار والدین و شبکه‌هایی که کودکان را تحت تاثیر قرار می‌دهند)، ماکروسیستم‌ها (مانند ارزش‌های اجتماعی) و

کرونوسیستم‌ها (مانند تغییرات در طی زمان در تاثیرات این سیستم‌ها)» (دمو و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۹). این دیدگاه، از آن جایی که به عوامل بیرون از نهاد خانواده و نیز تعامل بین و درون‌نهادی خانواده می‌پردازد، در بررسی تغییرات نهاد خانواده از اهمیت برخوردار است.

بر اساس پنج رویکرد اساسی مطرح‌شده کارکردگرایی، کنش متقابل، مارکسیستی، فمینیستی و سیستمی، جنبه‌های مختلفی که از نگاه جامعه‌شناختی خانواده مورد توجه قرار می‌گیرند عبارت هستند از: ساخت و کارکرد خانواده، رفتار و نقش‌های هر یک از اعضای خانواده، اشکال روابط و همبستگی بین آن‌ها، جایگاه هر یک از اعضای خانواده، میزان استقلال آن‌ها، ثبات و علل بی‌ثباتی خانواده، روابط متقابل خانواده با جامعه که همه در ساخت شاخص‌های سنجش وضعیت و دگرگونی خانواده مورد توجه است. در این شاخص‌سازی، همسو با ویلسون (۱۹۹۵) به دو نکته توجه شده است: «یکی این‌که اشتباه است سعی کنیم بین نظریه‌ها مرز دقیقی ترسیم کنیم و دوم این‌که، رهیافت‌های نظری در ارتباط متقابل با یکدیگر هستند» (ویلسون، ۱۹۹۵: ۳۱). از این‌رو، شاخص‌های پیشنهادی برای سنجش وضعیت خانواده و دگرگونی آن بدون قائل‌شدن به وجود مرز متصلب و شفاف بین رهیافت‌های نظری مطرح‌شده و همزمان با در نظر گرفتن آن‌ها با توجه به زمینه ایران، ارائه شده است.

روش پژوهش

شاخص، بیانگر ابعاد و شاخه‌های عینی قابل‌شناسایی و قابل‌اندازه‌گیری یک مفهوم و یا سازه است. در این پژوهش منظور از شاخص‌های سنجش وضعیت و دگرگونی خانواده، ابعاد عینی قابل‌شناسایی و قابل‌اندازه‌گیری وضعیت و دگرگونی خانواده ذیل ابعاد ساختار، کارکرد و سیستم خانواده است. برای تعیین شاخص‌ها توجه به چند بعد مفید بوده و وضعیت و دگرگونی خانواده در ارتباط با تحولات درون‌نهادی و بین‌نهادی (نهاد خانواده در ارتباط با نهادهای دیگر اجتماعی) نیز مورد توجه قرار گرفته است. در تعیین شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده می‌توان دو جنبه را در نظر داشت. اول، سنجش نگرش افراد خانواده نسبت به ابعاد و شاخص‌های ذیل آن است. دوم، وضعیت خانواده از جنبه عملکرد و رفتار واقعی خانواده‌ها یا آنچه در این مقاله زیر عنوان «کنش در حال زیست» نام‌گذاری می‌کنیم.

برای تعیین شاخص‌های معیار جهت سنجش وضعیت خانواده در ایران مرتبط با هر یک از ابعاد از چند مسیر می‌توان اقدام نمود. نخست، مراجعه به پژوهش‌های پیشین که خود مبادرت به شاخص‌سازی برای مطالعه وضعیت خانواده نموده‌اند. با بررسی این پژوهش‌ها می‌توان به اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده متناسب با اهداف پژوهش دست یافت؛ دوم، مطالعه نظریه‌های حوزه مطالعات خانواده، سپس استخراج مفاهیم و تعیین شاخص‌ها بر اساس آن‌ها. سوم، بررسی مطالعاتی که به موضوع خانواده و دگرگونی آن (خانواده در ایران و سایر کشورها) پرداخته‌اند و این دگرگونی را از ابعاد مختلف به بحث گذاشته‌اند. بر مبنای این مسیر، شاخص‌ها از طریق استخراج ابعاد دگرگونی‌هایی که در این مطالعات به آن‌ها پرداخته شده است، قابل دریافت است. در این پژوهش تلاش شده است هر سه مسیر موردتوجه قرار گیرد. از این رو، با رجوع به پژوهش‌های پیشین، هم از بُعد ارائه شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده و هم مباحث نظری مرتبط با دگرگونی خانواده در جهان و نیز به‌طور خاص در ایران شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده در ایران شناسایی و ارائه شدند. ضمناً به اسناد و مصوبات رسمی دولتی مربوط به وضعیت مطلوب خانواده در ایران نیز رجوع شده است. منابع داخلی شامل اسناد رسمی و مصوب، پژوهش‌ها و تجربه اندیشمندان ایرانی در زمینه مطالعات خانواده است (به این منابع در بخش طرح مسئله اشاره شد). توجه به این گونه مطالعات، پژوهش حاضر را به زمینه اجتماعی فرهنگی پیوند می‌زند. منابع و پژوهش‌های خانواده در سایر جوامع از جهت دستیابی به شاخص‌های عمومی و بهره‌گیری از تجربه اندیشمندان سایر کشورها به تقویت این پژوهش یاری می‌رساند.

برای تحلیل اسناد موجود، از یک‌سو شاخص‌هایی موردتوجه قرار گرفتند که پیش‌تر توسط سازمان‌ها یا پژوهش‌های دیگر مطرح شده‌اند و با توجه به هدف پژوهش بازسازی شدند و از سوی دیگر با مراجعه و استنباط از مباحث مربوط به موضوعات مختلف در حوزه خانواده و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، برخی شاخص‌های جدید نیز شناسایی و ارائه شدند. برای ساخت شاخص‌های جدید دو رویکرد موردتوجه قرار گرفت: یکی مرور انتقادی و ارزیابی شاخص‌های موجود؛ دوم، رویکرد تفهیمی از طریق استنباط از متون و دلالت‌های مرتبط با موضوع وضعیت و دگرگونی خانواده. به این ترتیب، مباحث نظری مطرح شد و مفاهیم محدود گردید و مولفه‌هایی که بهترین سنجه‌ها برای بررسی موضوع هستند، انتخاب شدند. در مواردی

دستیابی به شاخص‌های دقیق‌تر مستلزم ساختن زیرشاخص‌های جدید بود. در این مرحله پس از گردآوری مباحث و داده‌های پیشین، به ساخت زیرشاخص‌هایی که بازنمای شاخص‌ها و مولفه‌های اصلی باشند، مبادرت شد. اگرچه با استنباط نظری و نیز رجوع به شاخص‌های پیشین، این شاخص‌ها از اعتبار سازه و معیار برخوردارند، اما در نهایت، شاخص‌های تعیین‌شده، توسط برخی پژوهشگران و مطلعان حوزه خانواده مورد داوری قرار گرفت. بنابراین شاخص‌ها دارای اعتبار صوری نیز هستند. با این حال، هر پژوهشگری واقف است که پایایی و روایی شاخص‌ها، مسأله‌ای نسبی، زمینه‌مند و اعتباری است. به همین دلایل روش‌شناختی، شاخص‌های ارائه شده با توجه به تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه و نیز با دقت نظر محققان حوزه خانواده و اهداف مطلوب سیاست‌گذاران در حوزه خانواده می‌تواند تغییر یافته، تکمیل یا جرح و تعدیل گردند. از این رو، این پژوهش ادعا ندارد همه شاخص‌های مطلوب برای سنجش وضعیت خانواده و دگرگونی آن در ایران را ارائه کرده است. در مجموع، این پژوهش با توجه به منطق پژوهش ذیل مطالعات قیاسی قرار می‌گیرد و نظر به نحوه گردآوری اطلاعات در زمره مطالعات اسنادی محسوب می‌شود.

شاخص‌های پیشنهادی سنجش وضعیت و دگرگونی خانواده در ایران

وضعیت خانواده را در یک تقسیم‌بندی در سه سطح اصلی ساختار، کارکرد و سیستمی برای ارائه دسته‌بندی منظم و کاربردی از شاخص‌های پیشنهادی می‌توان در نظر گرفت. ارائه شاخص‌ها در این سه سطح، بازنمایی از کنش متقابل درون‌نهادی و برون‌نهادی خواهد بود. بعد درونی، وضعیت خانواده به‌عنوان نهادی بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با سایر نهادها و توجه به تغییرات درونی از ابعاد ساختار و کارکرد آن است. بعد بیرونی، وضعیت خانواده به‌عنوان نهادی در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی است. در این سطح تغییرات نهاد خانواده در ارتباط با سایر نهادها و تاثیر آن‌ها بر یکدیگر مورد توجه است. طبق جدول شماره ۱، دگرگونی ساختاری خانواده دربرگیرنده تغییر در ساختار جمعیت، ازدواج و طلاق، تحرک طبقاتی، ساخت قدرت و دگرگونی جنسیتی است. دگرگونی کارکردی خانواده با مولفه‌های اقتصادی، تقسیم‌کار، کیفیت عاطفی و روابط خانوادگی، سلامت، خانواده‌گرایی، کارکردهای هنجاری و تغییرات ارزشی مشخص شده است. دگرگونی سیستمی خانواده، شامل تغییر در ارتباطات میان‌نهادی خانواده با سایر نهادها از جمله نهاد آموزش، رسانه، دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد مطرح شده است.

شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی ۱۳۷

اطلاعات و داده‌های مرتبط با شاخص‌های ارائه‌شده سنجش وضعیت و دگرگونی خانواده در سطوح خرد و کلان و درون و بین‌نهادی که در این‌جا ارائه شده است، می‌تواند از منابع گوناگون تامین گردد. گاه دسترسی به داده‌های مرتبط مستلزم همکاری چندین نهاد در سطوح دولتی و غیردولتی است. داده‌های پاره‌ای از این شاخص‌ها از طریق رجوع به آمارها و داده‌های برخی نهادهای موجود قابل دسترسی است. اما برخی شاخص‌های پیشنهادی، در گام نخست نیازمند تعریف عملیاتی و سپس گردآوری داده‌های مرتبط با آن است. نکته قابل توجه این است که این داده‌ها پس از شناسایی و جمع‌آوری می‌تواند موضوع مطالعه سالانه (با هر چند سال یکبار) نهادهای سیاست‌گذار مرتبط با نهاد خانواده بوده و متناسب با وضعیت دگرگون‌شونده خانواده پایش شوند.

جدول ۱. شاخص‌های سنجش دگرگونی خانواده در ایران

ابعاد	مؤلفه	شاخص
	جمعیت	نرخ مولید، میزان بچه‌دارشدن، میزان بچه‌دارشدن بدون ازدواج، سن والدین در تولد اولین فرزند، میزان خانواده‌هایی که در اجرای برنامه تنظیم خانواده مشارکت دارند، بعد خانوار: ترکیب خانواده ^۱ ، میزان خانواده‌های چندنسلی ^۲ ، تعداد فرزند، تعداد اعضای خانواده
ساختار خانواده		تاخیر یا به‌وقت بودن ازدواج، میانگین سن ازدواج، میزان ازدواج نوجوانان، میانگین سن نخستین ازدواج، ناپایداری ازدواج، میزان مجرد قطعی، میزان خانواده تک‌والدی، میزان خانواده‌های ناتنی، تعداد کودکانی که در خانواده‌های ناتنی ^۳ زندگی می‌کنند، تعدد زوجات ^۴ نرخ چندزنی، نرخ تک‌همسری، میزان مهارت‌های پیش از ازدواج، میزان تغییر در شیوه‌های همسریابی، میزان تغییر در معیارهای انتخاب همسر، میزان مسائل ناشی از ازدواج مجدد، میزان ازدواج موقت، نوع و میزان پیامدهای ازدواج موقت، انواع و میزان طلاق، میزان علل فردی و اجتماعی طلاق، میزان آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی طلاق، میزان هزینه‌های اجتماعی طلاق در جامعه،

Household Composition ۱

۲ خانواده‌های چند نسلی به دلیل افزایش امید به زندگی می‌تواند شکل بگیرد. البته این مستلزم زندگی کردن سالمندان در خانواده است.

۳ این مفهوم از برناردز (۱۳۸۴) است. گونه‌ای از خانواده که به‌عنوان یکی از پیامدهای افزایش طلاق به‌وجود می‌آید.

ابعاد	مؤلفه	شاخص
		<p>میزان محبوبیت ازدواج بین جوانان، میزان ازدواج مجدد در بین کسانی که طلاق گرفته‌اند، میزان ازدواج مجدد در میان مردان و زنان پس از فوت همسر، میزان خانواده‌هایی که یکی از دو همسر غیبت غیرارادی دارند، میزان تغییر در الگوی زندگی (ایجاد علایق جدید، دوستان جدید و تعیین مسیرهای جدید زندگی) پس از طلاق، میزان خانواده‌هایی که برای جهیزیه هزینه زیادی پرداخت می‌کنند، میزان خانواده‌هایی که پس از ازدواج دور از پدر و مادر زندگی می‌کنند، میزان معاشرت قبل از ازدواج، میزان برگزاری جشن نامزدی، میزان برگزاری مراسم عروسی باشکوه، میزان خانواده‌هایی که پیش از ازدواج از والدین کسب اجازه می‌کنند، میزان خانواده‌هایی که مراسم خواستگاری برگزار می‌کنند، میزان تصمیم‌گیری مشارکتی در خانه، میزان اظهارنظر پدر و مادر در امور فرزندان پس از ازدواج، میزان خانواده همباشی، میزان خانواده تک‌والدی، میزان مادران مجرد، میزان خانواده تک‌نفره، میزان سازگاری زناشویی، میزان روابط جنسی خارج از خانواده (برای مردان و زنان)، میزان توجه به ملاک‌های محتوایی (ویژگی‌های روان‌شناختی فردی و خانوادگی مانند سن، تحصیلات، شغل، درآمد، سلامت جسمی و روانی، قومیت و مذهب) همسرگزینی، میزان توجه به ملاک‌های فرایندی (درک طرف مقابل، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های کنارآمدن، مهارت‌های حل مسئله و انعطاف‌پذیری) در همسرگزینی، میزان حل اختلافات توسط اعضا خانواده پیش از رجوع به مراکز قانونی، میزان رجوع به مراکز قانونی برای حل رفع اختلافات خانوادگی، میزان خانواده‌های پنهان (ازدواج صوری دختران و میسران کم سن و سال با مردان و زنان مسن)، میزان همباشی: میزان زنان ازدواج نکرده ۱۶ تا ۴۹ ساله که زندگی همباشی دارند، میزان مردان ازدواج نکرده ۱۶ تا ۴۹ ساله که زندگی همباشی دارند.</p>
	تحرك طبقه‌ای خانواده	<p>میزان خانواده‌های طبقه بالا بر حسب واحد زمانی مشخص، میزان خانواده‌های طبقه متوسط بر حسب واحد زمانی مشخص، میزان خانواده‌های طبقه پایین بر حسب واحد زمانی مشخص، میزان خانواده‌های «مادون طبقه» (خانواده‌ای که علاوه بر فقر گرفتار بزهکاری و رفتار کج روانه نیز هست) بر حسب واحد زمانی مشخص.</p>
	ساختار قدرت	<p>میزان تصمیم‌گیری مردان در امور مالی خانواده، میزان تصمیم‌گیری مردان در امور جزئی خانواده (مانند دکوراسیون منزل، نوع و شیوه گذران اوقات فراغت و ..)، میزان نفوذ پنهان زن (به شیوه‌های نق زدن، حیله و چاپلوسی) در امور مالی خانواده، میزان نفوذ مستقیم زن در تصمیمات مهم زندگی خانوادگی (کنترل منابع اقتصادی، اهداف جمعی خانواده، مناسبات، ارتباطات و ارزش‌های خانواده)، میزان زنان دارای منزلت اجتماعی بالا که خود وظایف</p>

شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی ۱۳۹

ابعاد	مؤلفه	شاخص
	دگرگونی جنسیتی	خانگی را انجام می‌دهند، میزان تصمیم‌گیری دموکراتیک (بر مبنای ترغیب و مجاب‌سازی) در خانواده، میزان تصمیم‌گیری اقتدارگرایانه (با اجبار و زور) در خانواده، میزان تفکیک نقش‌های جنسیتی، میزان خانواده‌هایی که والدین اقتدار خود را حفظ کرده‌اند، میزان خانواده‌هایی که فرزندان از اقتدار برخوردارند، میزان خانواده‌های دموکراتیک، میزان خانواده‌های اقتدارگرا، میزان خانواده‌های فرزندسالار، میزان خانواده‌های مردسالار، میزان خانواده‌های زن سالار. میزان حضور زنان در عرصه‌هایی که مردانه تلقی می‌شوند، میزان تعریف جدید از نقش پدر (از نان‌آوری به برعهده گرفتن جنبه‌های روانی و عاطفی فرزندان)، میزان کنش خانواده بر اساس خواسته‌های فرزندان، میزان توزیع ثروت بر اساس تمایلات فرزندان، میزان توزیع ثروت بر اساس گرایش‌های زنانه و تمایلات زنان (خرید لوازم لوکس و وسایلی که زنان خواهان آن هستند)، میزان حضور زنان در عرصه‌های ورزشی.
کارکرد خانواده	بعد اقتصادی	اشتغال زنان، میزان خانواده‌هایی که زن و مرد هر دو شغل دستمزدی دارند، میزان خانواده‌هایی با پدر چند شغله، میزان زنان دارای شغل دستمزدی، میزان زنان دارای کار غیردستمزدی، فعالیت اقتصادی زنان متأهل، میزان مادرانی که کار تمام وقت دارند، میزان مادران دارای فرزندان کوچک که کار دستمزدی دارند، میزان زنان دارای فرزندان مدرسه‌رو که کار دستمزدی دارند، میزان حمایت اقتصادی و مالی خانواده از فرزندان جوان خود، میزان حمایت مالی خانواده از اعضای سالمند خود، میزان تغییر الگوی غذایی در خانواده، میزان وجود روحیه قناعت و آینده‌نگری در خانواده، میزان آسیب‌های اقتصادی خانواده، میزان اثر فقر بر آسیب‌های اجتماعی خانواده، میزان اثرگذاری صندوق‌های قرض الحسنه خانوادگی در اقتصاد خانواده، میزان تغییر ساختار درآمدی خانواده (از خانواده‌های با یک نفر نان‌آور به دو یا چند نفر نان‌آور)، میزان تغییر الگوی مصرف خانواده ناشی از آسیب‌های اقتصادی، میزان تغییر الگوی غذایی خانواده ناشی از آسیب‌های اقتصادی، فقر خانوادگی، تغییرات در وضعیت دخل و خرج خانواده، میزان خانواده‌هایی که در فقر هستند، نوع خانواده‌هایی که در فقر هستند، میزان خانواده‌های تک‌والدی که در فقر هستند، میزان زنان سرپرست خانوار که در فقر هستند، میزان خانوارهای هسته‌ای که

۱ در بحث‌های مربوط به مسائل اجتماعی بسیاری از صاحب‌نظران مادرانی را که کارشان باعث غفلت از فرزندانشان می‌شود سرزنش می‌کنند (برناردز ۱۳۸۴: ۴۹). از زنانی که فرزند کوچک دارند معمولاً انتظار می‌رود به سراغ کارمزدی نروند و از کودکان خود مراقبت کنند. به نظر می‌رسد زنان که کودکان مدرسه‌رو دارند به کارهای مزدی پاره‌وقت گرایش دارند.

ابعاد	مولفه	شاخص
		در فقر هستند، میزان تمکن مالی خانواده، میزان نوسان درآمد خانواده، میانگین دارایی خانواده ایرانی.
	تقسیم‌کار	میزان مشارکت مردان در کار خانه (بر حسب زمان)، میزان مشارکت زنان در کارهای بیرون از خانه، میزان تفکیک نقش‌های جنسیتی در خانواده، میزان مشارکت کودکان در کار بیرون از خانه، میزان مشارکت کودکان در کارهای خانه.
		میزان احساس عشق در خانواده، میزان احساس خوشبختی در خانواده، میزان مشارکت و حمایت عاطفی، میزان گفت و گو در میان اعضای خانواده، میزان پیوندهای مشارکتی و تعارضی در خانواده، میزان ارتباط سلسله مراتبی بین اعضای خانواده، میزان هدیه دادن افراد خانواده به همدیگر، میزان انجام فعالیت‌ها و حمایت‌های خیرخواهانه در خانواده (حمایت از کودکان، سالمندان و بیماران)، میزان تقویت روابط کلامی میان اعضای خانواده، میزان اظهار نظر پدر و مادر در انتخاب دوست فرزند، میزان آشنایی والدین با شیوه‌های پرورش اخلاقی فرزندان، میزان آشنایی والدین با شیوه‌های پرورش مذهبی فرزندان، میزان اثرگذاری خانواده در انتقال ارزش‌های حاکم، میزان احساس خرسندی از زندگی خانوادگی، میزان خانواده‌های مستعد طلاق، میزان خانواده‌هایی که در حل مشکلات و تعارضات ناتوان هستند، میزان وجود داوری خویشاوندان در حل اختلافات خانوادگی، میزان وجود قضاوت‌های بی‌طرفانه خویشاوندان در حل اختلافات خانوادگی، میزان نارضایتی جنسی در روابط زناشویی، میزان ناسازگاری جنسی (فقدان رابطه جنسی یا ناکامیابی در رابطه جنسی)، میزان ایجاد شبکه ارتباطی جایگزین (شبکه‌های ارتباطی جدید خارج از خانواده و یا شبکه‌های مجازی) در خانواده، میزان فردگرایی (غلبه تمنیات فردی) در برقراری شبکه‌های ارتباطی، میزان تأثیرگذاری والدین در ایجاد شبکه‌های ارتباطی، میزان آشنایی والدین با شیوه‌های پرورش ارتباطی فرزندان، میزان دید و بازدیدهای خانوادگی، میزان اختصاص زمان کافی برای فرزندان، میزان رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر، میزان شکاف نسلی، کمیت و کیفیت روابط والدین - فرزندان، کمیت و کیفیت روابط زوجین با یکدیگر، کمیت و کیفیت روابط برادران و خواهران در خانواده، کاهش تعداد فرزندان و آسیب‌های احتمالی ناشی از آن، تضعیف شبکه‌ها و پیوندهای خویشاوندی، میزان ممانعت از تحصیل فرزندان از سوی خانواده، میزان رعایت عدالت میان فرزندان در خانواده، میزان ظرفیت‌های یادگیری در خانواده، میزان اولویت‌های فردی زن و مرد نسبت به ترجیحات جامعه در بچه‌آوری و تولید نسل، میزان ترجیح زنان در لذت از کار حرفه‌ای یا تحصیل نسبت به لذت فرزندآوری، میزان رعایت برابری در روابط اعضا خانواده،

کیفیت عاطفی و روابط خانوادگی

شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی ۱۴۱

ابعاد	مولفه	شاخص
سلامت خانواده در ابعاد جسمی، روحی و اجتماعی		<p>میزان داشتن تعاملات دوطرفه سالم در خانواده، میزان داشتن اعتماد متقابل در روابط خانوادگی، میزان توجه به برنامه‌های مشترک زندگی، میزان مشارکت در فعالیت‌های خانواده، میزان سرمایه اجتماعی خانواده.</p> <p>میزان باروری‌های ناخواسته در خانواده، میزان رفتارهای پرخطر جنسی در میان اعضای خانواده، میزان مشارکت مردان در برنامه‌های بهداشت باروری، میزان مشارکت مردان در بهداشت باروری، میزان رعایت بهداشت فردی در خانواده، میزان رعایت بهداشت عمومی از سوی خانواده، میزان هزینه برای سلامت در هر خانواده، میزان پوشش بیمه خانواده، میزان شیوع بیماری‌های روانی در خانواده، میزان بیماری‌های واگیردار در خانواده، میزان بیماری‌های غیرواگیر در خانواده، میزان ارتکاب به رفتارهای پرخطر در میان اعضای خانواده (مصرف مشروبات الکلی، اعتیاد انجام کارهای ریسک‌پذیر فیزیکی)، میزان توجه به سلامت در میان اعضای خانواده، وضعیت تغذیه افراد خانواده، میزان توجه به تغذیه سالم در میان اعضای خانواده، میزان نقش والدین در آگاهی بخشی به رفتارهای پرخطر فرزندان، میزان آگاهی بخشی والدین درباره مسائل مربوط به بلوغ جنسی و جسمی، نحوه برخورد والدین با مشکلات بلوغ فرزندان، میزان اعتیاد زوجین یا فرزندان، میزان انحرافات جنسی و خیانت زناشویی، میزان خودکشی و خودسوزی زنان، میزان و نوع پیامدهای زندانی شدن مردان یا زنان بر خانواده، میزان فرار نوجوانان و جوانان از خانه، میزان و نوع اثرات فرار نوجوانان و جوانان بر خانواده، میزان پیامدهای مثبت و منفی حضور سالمندان در خانه فرزندان، نوع خشونت اعمال شده در خانواده، میزان قتل‌های خانوادگی و ناموسی، میزان خشونت علیه سالمندان، میزان خشونت علیه کودکان، میزان خشونت علیه زنان، میزان خشونت علیه مردان، میزان اختلالات روانی و جسمی ناشی از طلاق رسمی و عاطفی، میزان اختلالات روانی و جسمی ناشی از خشونت خانگی، میزان اختلالات روانی و جسمی ناشی از تعارض نقش زنان شاغل، میزان اختلالات روانی و جسمی ناشی از اعتیاد زوجین یا فرزندان، میزان آموزش عفاف و پوشش به فرزندان، میزان آموزش احکام دینی به فرزندان، میزان آموزش هنجارهای اخلاقی به فرزندان، میزان کارآمدی شیوه‌های جامعه‌پذیری توسط والدین در جامعه امروز، میزان آشنایی خانواد با مفاخر ملی، میزان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی در خانواده.</p>
	خانواده‌گرایی ^۱	تعداد افراد تحت تکفل در خانواده ^۱ ، میزان توجه خانواده به جامعه‌پذیری

۱ منظور از این شاخص تمایل خانواده‌ها در برعهده گرفتن کارکردهای خود و عدم واگذاری آن به نهادهای دیگر است.

ابعاد	مؤلفه	شاخص
		<p>کودکان، میزان توجه خانواده به تفکیک نقش‌های جنسیتی، میزان تقویت شبکه خویشاوندی توسط خانواده، میزان آگاهی اعضا خانواده از مسئولیت‌های خود، میزان سپردن کودکان به مهدکودک‌ها^۱، میزان واسپاری سالمندان به خانه‌های سالمندان.</p>
	<p>کارکرد هنجاری خانواده</p>	<p>میزان تقویت عناصر فرهنگی مربوط به قومیت‌ها و ملیت‌ها در ارتباط با موضوعات خانواده، میزان مدیریت الگوی سبک زندگی (میزان تغییر الگوی مصرف و میزان اصلاح الگوی مصرف) خانواده، میزان کاربست اقتدار عقلانی - قانونی در خانواده، میزان کاربست اقتدار سنتی در خانواده، میزان کاربست عاطفی در خانواده، انواع سبک‌های تربیتی در خانواده.</p>
	<p>کارکرد فرهنگی: تغییرات ارزشی در خانواده^۳</p>	<p>موافقت با اجرای تنظیم خانواده، موافقت با کسب رضایت پدر و مادر در ازدواج، موافقت با مراسم خواستگاری، مخالفت با تنبیه بدنی فرزند، مخالفت با ازدواج با بیش از یک زن، موافقت با اظهار نظر پدر و مادر در انتخاب دوست فرزند، موافقت با مهریه، موافقت با جهیزیه کافی، موافقت با جدا زندگی کردن از پدر و مادر، موافقت با معاشرت قبل از ازدواج، موافقت با جشن نامزدی، موافقت با مراسم عروسی مجلل، موافقت با کارکردن خانم‌ها بیرون از خانه، تغییر میزان تصمیم‌گیری مشارکتی به تصمیم‌گیری فردی در خانه، موافقت با اظهار نظر پدر و مادر در امور فرزندان پس از ازدواج، میزان تمایل به همسرورگی (ازدواج موقت)، میزان تمایل زنان برای حضور در عرصه‌هایی که مردانه تلقی می‌شوند، میزان تمایل به تعریف جدید از نقش پدر (از نان‌آوری به برعهده گرفتن جنبه‌های روانی و عاطفی با فرزندان)، میزان موافقت با ادامه تحصیل دختران، میزان تمایل به ازدواج زودهنگام دختران، میزان تمایل خانواده به برجسته کردن مادر به‌عنوان کانون عاطفه و پدر به‌عنوان کانون اقتدار، میزان تمایل به خانواده نه بر محور اقتدار بلکه بر محور حمایت اقتصادی و عاطفی، میزان گرایش به بچه‌دار شدن به‌عنوان یک تصمیم عاطفی، میزان پذیرش ارزش‌های فرهنگی نو از سوی خانواده، میزان</p>

۱ بررسی روند این شاخص می‌تواند برای سیاست‌گذار در تدوین سیاست‌های رفاهی خانواده مفید باشد. افراد تحت تکفل مانند سالمندان، افراد بدون کارمزدی، کودکان، بیماران و بیکاران.

۲ این شاخص اگر برای مادران غیرشاغل لحاظ گردد احتمالاً می‌تواند معیار مناسبی برای سنجش میزان واگذاری آموزش از نهاد خانواده به نهادهای آموزشی باشد. زیرا مادران شاغل در اغلب موارد ناگزیر به سپردن کودکان خود به مهدکودک هستند.

۳ این شاخص می‌تواند هم با لحاظ متغیر جنس (در میان زنان و مردان) و هم با لحاظ متغیر نسل (اعضای چند نسل) مورد بررسی قرارگیرد، تا تفاوت‌های نگرش میان مردان و زنان و نیز در میان نسل‌های مختلف بررسی شود.

شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی ۱۴۳

ابعاد	مولفه	شاخص
روابط سیستمی خانواده	ارتباط میان‌نهادی	<p>تمایل به الگوی خانواده تک فرزندی، میزان تمایل به داشتن فرزند پسر، میزان تمایل به الگوی دوفرنزندآوری، میزان تمایل به آوردن فرزند دوقلو، میزان تمایل به پذیرش فرزند (فرزندخواندگی)، میزان نقش ازدواج در فرایند هویت‌یابی، میزان تمایل به محکوم کردن خانواده‌های بی‌فرزند، میزان تمایل به وجود روابط سلسله‌مراتبی در خانواده، میزان تمایل به وجود اقتدار سنتی (مذهبی) در خانواده، میزان تمایل به منع زنان برای اشتغال بیرون از خانه، میزان تمایل به این‌که خانواده منبع رفاه و بهزیستی است، میزان تمایل به تفکیک نقش‌های جنسیتی، نگاه به ازدواج به‌عنوان یک انتخاب یا تمایل، نگاه به ازدواج به‌عنوان یک ضرورت، میزان تمایل به داشتن فرزند، میزان تمایل به نگهداری از سالمندان، میزان آگاهی اعضای خانواده از حقوق یکدیگر، میزان نگرش مثبت نسبت به تربیت مذهبی فرزند به‌عنوان تنها راه سلامت روحی او، نگرش خانواده نسبت به وظیفه دولت در تامین رفاه اعضای خانواده.</p> <p>خانواده و نهاد آموزش: میزان کودکان در حال تحصیل در خانواده، میزان کودکان بازمانده از تحصیل در خانواده، میزان هزینه خانواده برای آموزش فرزندان، میزان شرکت اعضای خانواده در کلاس‌های آموزشی (فرهنگی، هنری، ورزشی)، میزان همسویی آموزش خانواده و نهادهای رسمی (مدرسه، دانشگاه و ...)، میزان ارتباط خانواده با مدرسه، میزان اثرگذاری نظام آموزش رسمی و فرهنگی در توان‌مندسازی خانواده‌ها برای کسب مهارت، میزان و نوع فعالیت‌های تشکلی دولتی و غیردولتی در جهت تشکیل خانواده، میزان موفقیت تشکلی دولتی و غیردولتی در جذب زنان و مردان مجرد برای تشکیل خانواده، میزان مراکز رسمی آموزشی و مشاوره قبل و بعد از ازدواج.</p> <p>خانواده و نهاد رسانه: میزان پرهیز از بازنمایی زن ستیزی یا مردستیزی در رسانه‌های ملی، میزان ترسیم خانواده به‌عنوان مهمترین بستر رشد فرهنگی جامعه در رسانه‌ها (تلویزیون کتاب و مجلات)، اثرات رسانه‌های جمعی مدرن بر ساختار و روابط خانوادگی، میزان تعارض یا همخوانی رسانه و خانواده، میزان اثر رسانه بر بازتولید خشونت در خانواده، میزان تغییر در سطح و نوع روابط اعضای خانواده تحت تاثیر رسانه‌ها، میزان بازنمایی ضرورت توجه والدین نسبت به تخصیص زمان کافی برای فرزندان از طریق رسانه‌ها، میزان بازنمایی اهمیت نقش دولت در تامین نیازهای جسمی و روحی خانواده از طریق رسانه‌ها، میزان بازنمایی معایب زندگی در مجرد توسط رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی، میزان بازنمایی دیدگاه‌های صحیح درباره تقلیل هزینه‌های ازدواج، میزان بازنمایی تشکیل مجدد خانواد از سوی زنان بیوه و بی‌سرپرست از سوی رسانه‌ها.</p> <p>خانواده و نهاد دولت: میزان موفقیت دولت در جهت فرهنگ سازی و آموزش</p>

ابعاد	مؤلفه	شاخص
		<p>فرهنگ عفاف در جهت تحکیم خانواده، میزان موفقیت دولت در جهت پیشگیری از مفسد اخلاقی و اجتماعی به منظور حفظ کیان خانواده، میزان و کیفیت عملکرد مراکز امداد و ارشاد در کنار دادگاه‌های خانواده، میزان و کیفیت مراکز مشاوره ژنتیک و بیماری‌های خطرناک در جهت حمایت از تشکیل خانواده‌های برخوردار از سلامت جسمی و روحی، میزان بازنگری قوانین حمایتی در جهت تحکیم خانواده، میزان توجه نهادهای پژوهشی به بازنمایی مسائل و مشکلات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در خانواده‌ها، میزان توجه نهادهای فرهنگی و اجتماعی در بهره‌مندی خانواده‌ها از اوقات فراغت، میزان هماهنگی در میان نهادهای مختلف دولتی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با خانواده، میزان مقابله با باندهای فساد و فحشا با هدف حفظ خانواده، میزان برآورده نمودن احتیاجات خانواده‌های بی‌سرپرست و بی‌بضاعت، میزان توجه دولت به حضور خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها، میزان توجه دولت به حضور خانواده در مراکز فرهنگی، سینما و تئاتر و کنسرت‌های موسیقی.</p> <p>خانواده و سازمان‌های مردم‌نهاد: میزان عضویت اعضای خانواده در انجمن‌های علمی و فرهنگی، میزان عضویت اعضای خانواده در انجمن‌های طرفدار محیط زیست، میزان عضویت اعضای خانواده در انجمن‌های خیریه، میزان عضویت در قرض‌الحسنه فامیلی، میزان عضویت اعضای خانواده در هیأت‌ها و کانون‌های مذهبی، میزان عضویت اعضای خانواده در گروه‌های فرهنگی و هنری، میزان عضویت اعضای خانواده در سازمان بسیج، میزان عضویت اعضای خانواده در سازمان‌ها غیردولتی، میزان عضویت اعضای خانواده در تشکل‌های سیاسی، میزان عضویت اعضای خانواده در گروه‌های ورزشی، میزان عضویت اعضای خانواده در اتحادیه‌های کارگری، میزان عضویت در انجمن اولیا و مربیان.</p>

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خانواده همواره موضوع بررسی مطالعات جامعه‌شناختی بوده است. اما به گفته ویلسون (۱۹۹۵) «توجه به خانواده صرفاً ملک‌طلق جامعه‌شناسان نیست. حکومت‌ها و سیاست‌گذاران از خانواده به‌عنوان شاخصی برای سلامت و قدرت زندگی اجتماعی استفاده می‌کنند. آنان در هراس هستند که هر نوع وضعی در زندگی خانوادگی به شیوه‌ای، هستی زندگی ملی را تضعیف کند» (ویلسون، ۱۹۹۵: ۱) از این رو، خانواده همواره در دستور کار سیاست‌گذاران قرار دارد، چه

برای ارائه تعریفی از خانواده مطلوب و چه سیاست‌هایی که بتواند تضمین‌کننده شکل‌گیری و تداوم آن باشد. چنان‌که به گفته اسپیکر (۱۳۹۲) «اندیشه خانواده تاثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی دارد» (اسپیکر، ۱۳۹۲: ۴۴). البته سیاست‌گذاری خانواده را می‌توان در معنای رسمی به کارگرفت و منظور از آن، سیاست‌هایی است که دولت برای خانواده در نظر می‌گیرد. و یا این‌که سیاست‌گذاری در معنایی عمیق‌تر به نقش خانواده در جامعه به مثابه یک نهاد توجه داشته و سیاست‌گذاری از امری اجتماعی به امری خصوصی تبدیل شود. از هر دو وجه که به موضوع سیاست‌گذاری خانواده توجه نماییم، چیزی از اهمیت شناخت وضعیت دگرگون‌شونده خانواده نمی‌کاهد. شناخت وضعیت بخشی از فرایند سیاست‌گذاری است. بنابراین، وجود ابزاری برای این شناخت، ضرورت توجه به شاخص‌هایی که بتواند به بازنمایی وضعیت خانواده دگرگون‌شونده بیانجامد، پیش‌شرط هر نوع سیاست‌گذاری است. ضمن این‌که شاخص‌ها راهی برای تعیین اثرات سیاست‌ها نیز هست.

این‌که خانواده با چه ویژگی‌هایی به‌عنوان خانواده ایده‌آل ایرانی موردتوجه قرار گیرد و سیاست‌های عمومی معطوف به آن تعیین شود، مستلزم توجه به تغییراتی است که خانواده در گذار تاریخی در ایران با آن روبرو بوده است. درک این تحولات و پذیرش آن اولین قدم برای ارائه تعریفی از خانواده است که به واقعیت زمینه‌مند ایران نزدیک‌تر بوده و همواره آماده بازتعریف نیز باشد. نکته مهم این است که فاصله میان تغییرات در حال وقوع در خانواده با مفهوم‌پردازی‌های انتزاعی درباره آن می‌بایست کم شود تا به‌ویژه از نقطه‌نظر سیاست‌گذاری، بتوان درک بهتری از وضعیت خانواده داشت. سیاست‌هایی که نه تنها به تک تک اعضای خانواده (والدین، کودکان، جوانان، سالمندان، مردان، زنان) توجه داشته باشند، بلکه با پرهیز از تقلیل خانواده به یکی از اجزای آن (و عمدتاً زنان)، خانواده را به‌عنوان یک کل هماهنگ موردتوجه قرار دهند. نسخه‌پردازی‌های آرمان‌گرایانه، ایدئولوژیک و نگاه‌های خاص‌گرایانه ارزشی از واقعیت وضعیت و دگرگونی‌های خانواده بسی دور هستند. پویا، تنوع و گوناگونی خانواده‌های ایرانی را در نظر نمی‌گیرند و صرفاً روی‌پردازی‌های ایستا و غیرواقعی خود را پی می‌گیرند.

شناسایی و به‌کارگیری شاخص‌های سنجش وضعیت و دگرگونی خانواده و مطالعه علمی و حرفه‌ای آن، می‌تواند پیش‌بینی‌هایی درباره وضعیت تحول خانواده از جنبه‌های مختلف

ساختاری، اشکال اعتقادی، اشکال ارتباطی، اجتماعی و کارکردی ارائه دهد. از طریق جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای شاخص‌های ساخته‌شده می‌توان موضوعاتی نظیر ساختارهای خانواده، تشکیل و زوال خانواده، خشونت خانگی، نقش‌ها و مسئولیت‌ها، انواع خانواده، شناسایی خانواده‌های پرمساله، نیازهای خانواده، منابع خانواده، حمایت‌های خانوادگی، ارتباطات میان اعضای خانواده و روابط عاطفی میان آن‌ها را هم از بعد درونی و هم در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی، در اختیار محققان و سیاست‌گذاران قرارداد. همچنین، مطالعه وضعیت تحول خانواده تحت تاثیر اجرای سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی، و توجه به نقش خانواده و تحولات آن در تحقق سیاست‌های مطلوب اقتصادی و اجتماعی، مستلزم آگاهی از وضعیت خانواده در گام نخست است. چراکه، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در حباب ابهام نمی‌تواند صورت گیرد. رجوع به واقعیت اجتماعی و شناخت دقیق تغییرات می‌تواند به سیاست‌گذار در برقراری ارتباط ارگانیک بین نیازهای واقعی و سیاست‌ها کمک نماید. از این‌رو، بررسی وضعیت خانواده و دگرگونی‌های آن، از طریق بررسی وضعیت موجود و پیش‌بینی آینده با کاربست این شاخص‌ها می‌تواند موثر باشد. با توجه به مباحث طرح شده چند پیشنهاد ارائه می‌شود:

- تدوین شاخص‌های سنجش وضعیت و دگرگونی خانواده می‌تواند در کنار رویکرد جامعه‌شناختی، از رویکردهای مردم‌شناسی، روان‌شناسی و اقتصاد نیز در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی از حیث کارکرد، ساختار، صورت‌بندی^۱، رفتار و تغییر خانواده موردتوجه قرارگیرد؛
- تکمیل شاخص‌های ارائه‌شده در این پژوهش از طریق توجه به روابط برون‌نهادی میان‌نهاد خانواده با نهادهای دیگر مانند نهاد مذهب، نهاد بازار، نهاد علم و تکنولوژی و صنعت می‌تواند موردتوجه باشد؛
- توجه به متغیرهای قومیت و مذهب در شاخص‌سازی برای بررسی دقیق وضعیت دگرگونی خانواده در میان اقوام و مذاهب ایرانی؛
- با وجود انواع خانواده، تدوین شاخص‌های متنوعی که بتواند بعد و وسعت دگرگونی انواع خانواده در ایران را شناسایی کند، ضروری است؛

- گردآوری اطلاعات درباره خانواده در ایران بر مبنای شاخص‌های تعیین‌شده و مقایسه آن با وضعیت خانواده در جهان؛
- ایجاد بانک اطلاعاتی درباره مسائل خانواده بر اساس گردآوری اطلاعات مبتنی بر شاخص‌های تعیین‌شده؛
- تدوین دایره‌المعارف خانواده در ایران بر اساس شاخص‌های تعیین‌شده و نیز شاخص‌های تکمیلی که در دیگر پژوهش‌ها پیشنهاد خواهد شد؛
- ارزیابی سیاست‌های اجراشده برای خانواده با توجه به شاخص‌های تعیین‌شده و بررسی اثر این سیاست‌ها متناسب با اطلاعات به‌دست‌آمده از شاخص‌های مرتبط با هر سیاست؛
- مطالعه و پایش وضعیت دگرگونی خانواده از طریق کاربست شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده و ارائه گزارش‌های راهبردی به سیاست‌گذاران حوزه خانواده؛
- انجام پژوهش‌های مداوم درباره مسائل خانواده متناسب با تغییرات خانواده.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ مهناز زند و طاهره خزایی. (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی با تاکید بر مقایسه مراسم، اداب و کارکردهای حمایتی. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۱۶. پاییز و زمستان. صص ۲۹-۳.
- آزاد ارمکی، تقی؛ مهناز زند و طاهره خزایی. (۱۳۸۱). روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل. *نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*. زمستان. شماره ۴۴ و ۴۵. صص ۲۴-۱.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- اسپیکر، پل. (۱۳۹۲). *موضوعات و رهیافت‌های سیاست‌گذاری اجتماعی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی خانواده، با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. چاپ ششم.
- اندرسون، دلورث؛ لیندا م. بورتون و دیوید م. کلین. (۱۳۹۳). *نظریه‌های معاصر و در حال ظهور در مطالعات خانواده*. در *دایره‌المعارف خانواده*. ویراست ورن ل. بنگستون؛ الن س. اکاک؛ کاترین ر. آلن و پگی دیلورت اندرسون. ترجمه عالیه شکرپیگی و شهلا مهرگانی. تهران: جامعه‌شناسان. صص ۱۷۴-۹۳.

- برناردز، جان. (۱۳۸۴). *درآمدی به مطالعات خانواده*. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نی.
- بهنام، جمشید. (۱۳۴۷). جامعه‌شناسی: نظری به انواع خانواده در ایران. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲. زمستان. صص ۷۰-۷۸.
- بهنام، جمشید. (۱۳۵۲). *ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- بهنام، جمشید. (۱۳۸۳). *تحولات خانواده*. ترجمه محمد جعفر پوینده. تهران: نشر ماهی.
- بیانچی، سوزان. م. و لین م. کسپر. (۱۳۹۳). *چشم‌انداز جمعیت‌شناختی خانواده در دایرالمعارف خانواده*. ویراست ورن ل. بنگستون؛ الن س. اکاک؛ کاترین ر. آلن و پگی دیلورت اندرسون. ترجمه عالیه شکرپیگی و شهلا مهرگانی. تهران: جامعه‌شناسان. صص ۲۱۲-۱۷۷.
- پاپی نژاد، شهربانو و سیده فاطمه محبی. (۱۳۸۹). *شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده*. شورای عالی انقلاب فرهنگی: شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده.
- تنهایی، ابوالحسن و عالیه شکرپیگی. (۱۳۸۷). *جهانی‌شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی)*. فصلنامه جامعه‌شناسی. شماره ۱۰. فروردین. صص ۵۶-۳۳.
- ثنائی، باقر و همکاران. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: علاقمند.
- جنادله، علی و بهاره رهنما. (۱۳۸۹). *خانواده متعارف ایرانی: تحولات نسلی و چالش‌های پیش رو*. در مجموعه مقالات همایش ملی آینده پژوهشی مسائل خانواده. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- دمو، دیوید. ه.؛ ویلیام. س. آکوئیلینو و مارک ا. فاین. (۱۳۹۳). *ساخت و تحول‌های خانواده در دایرالمعارف خانواده*. ویراست ورن ل. بنگستون؛ الن س. اکاک؛ کاترین ر. آلن و پگی دیلورت اندرسون. ترجمه عالیه شکرپیگی و شهلا مهرگانی. تهران: جامعه‌شناسان. صص ۲۴۴-۲۱۳.
- روزن‌باوم، هایدی. (۱۳۶۷). *خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه: نقد مبانی نظری جامعه‌شناسی خانواده در آلمان*. ترجمه محمدصادق مهدوی. تهران: نشر دانشگاهی.
- روحانی، حسن. (۱۳۸۹). *خانواده مهم‌ترین رکن اجتماعی در مجموعه مقالات همایش ملی راهبردهای تحکیم نهاد خانواده*. زیر نظر رضا صالحی امیری. مرکز تحقیقات استراتژیک. گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
- سرایی، حسن. (۱۳۸۵). *تداوم و تعبیر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران*. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*. شماره ۲. صص ۶۰-۳۷.
- سگالن، مارتین. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. حمید الیاسی (مترجم). تهران: نشر مرکز.

شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی ۱۴۹

- شکوری، علی و تقی آزاد ارمکی. (۱۳۸۸). مدرنیته و خانواده تهرانی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. دوره ۲. شماره ۳۰ و ۳۱. صص ۲۶۸-۲۴۵.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۷۵). تحول نقش خانواده در پرورش اجتماعی در جریان گذار از اجتماع به جامعه. *نشریه تربیت*. شماره ۱۱۳. صص ۴۷-۴۲.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۶ الف). تحول ساختار و نقش خانواده. *رشد آموزش علوم اجتماعی*. دوره دهم. شماره ۳. بهار. صص ۲۳-۱۸.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۶ ب). تحول ساختار و نقش خانواده در جوامع غربی. *رشد آموزش علوم اجتماعی*. شماره ۳۴. بهار.
- شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۴). *مصوبه اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن*. تاریخ دسترسی ۱۳۹۳/۳/۱۰ در تارنمای <http://ms.farhangolm.ir/legislation>
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر مطالعات زنان*. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- مک کارنی، جین ریبنز و روزالیند ادوارد. (۱۳۹۰). *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*. ترجمه محمدمهدی لیبی. تهران: علم.
- محمدی، بیوک. (۱۳۸۹). پیامدهای تغییر در نقش جنسیت بر خانواده، با نگاهی بر جامعه ایران. *آینده‌پژوهی مسائل خانواده*. جلد اول. مرکز تحقیقات استراتژیک. معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی. زمستان ۱۳۸۹. صص ۲۲۸-۱۹۵.
- مهاجرانی، علی اصغر. (۱۳۷۵). روند انتقال و تحول خانواده در ایران و جهان. *نشریه جمعیت*. پاییز. شماره ۱۷. صص ۱۶-۹.
- مهدی، علی اکبر (۱۳۵۴). *در جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: پیام.
- Association for Family therapy & Systematic practice (on line) Index of Family Function and Change. Using the SCORE 15, <http://www.aft.org.uk/>
- Horizons, Bright. (2015). *Modern Families Index 2015*. Working Family. cited in <http://www.workingfamilies.org.uk/wp-content/uploads/2015/01/Modern-Family-Index-full-report-FINAL.pdf>
- Fahey, Tony; Patricia, Keilty and Ela polek. (2012). *Family Relationships and Family Well-Being: A study of the families of nine year- olds in Ireland*. Published by University College Dublin and Family Supprt Agensy.
- King, Raymond, J.R. (1969). *Family Relations: Concepts and Theories*, university of OTAGO. (NEW ZEALAND). The GLENDESSARY PRESS.
- Wilson, Adrian (1995) *Family*. Routledge.